

تحلیل مبانی فقهی اصل شفافیت از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه

علی کارشناس*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

چکیده

پیشینه مبانی فقهی شفافیت به صدر اسلام بازمی‌گردد؛ آن هنگام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و نیز امام مجتبی علیه السلام حکومتی اسلامی مبتنی بر شفافیت را بنیان نهادند. مبانی شفافیت با استقرای کامل در نهج البلاغه، قابل دستیابی است. شناخت مبانی فقهی شفافیت برای رفع مظاهر فساد در نظام اسلامی دارای ضرورت و اهمیت است (هدف) پرسش اصلی این پژوهش آن است که مبانی فقهی شفافیت از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه چیست؟ (سؤال) روش پژوهش مبتنی بر روش استدلال و برهان از نوع قیاس منطقی شکل اول بر اساس دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه و نیز مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است (روش) یافته پژوهش آن است که استمرار نظام اسلامی به ویژه جنبه مقبولیت مردمی آن در گرو شفافیت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و برای غلبه بر مفاسد گوناگون و اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و رانت‌خواری، راهی جز شفافیت وجود ندارد که مبانی فقهی آن از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه عبارتند از: نظارت، النصیحة لائمة المسلمین، عدالت، حفظ نظام و مصلحت (یافته).

کلیدواژه‌ها:

اصل، مبنا، فقه، شفافیت، امام‌علی علیه السلام، نهج البلاغه.



مقدمه

شفافیت که به معنای آشکار بودن و در دسترس بودن اطلاعات جهت بررسی و نظارت است، از موضوعات محوری در مباحث کلان حکومت‌داری و اصلاح اداره‌ی عمومی است. در فقه سیاسی اسلام، مردم‌سالاری دینی بر آرای خام و ناآگاهانه‌ی مردم استوار نیست، بلکه جوهر آن را آگاهی مردم شکل می‌دهد و وظیفه‌ی حاکم اسلامی به‌عنوان امانت‌دار مردم این است که مسائل جامعه را به‌گونه‌ای شفاف و صادقانه با مردم در میان بگذارد. از این رو، پژوهش پیرامون مبانی فقهی این موضوع جهت تعمیق و مستندسازی ریشه‌های فقهی این اصل آن هم از نظر امیرمؤمنان علیه السلام از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است؛ به ویژه آن که قاعده اصحار که مبتنی بر کلام امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ی ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه‌ی مالک اشتر) به خوبی ضرورت این بحث را تبیین می‌نماید؛ امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

«وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا، فَأَصْحِرْ لَهُمْ بَعْدَ رِكَ، وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ، وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ، وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ؛

اگر شهروندان درباره‌ی تو ستم روا داشتند، گمان بردند، دلیل خود را برایشان شفاف آشکار کن، و با این شفاف‌سازی‌ات، گمان‌های بد ایشان را از خویش بگردان، که در این کار، گونه‌ای پرورش دادن نفست است، و همراهی و نرمشی با شهروندان، و دلیل آوردنی است که با برپا داشتن و بردن آنان به راه حق به خواست خودت هم رسیده‌ای» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

در این نامه، امام علیه السلام شفافیت را سبب رفع بدگمانی مردم به مسئولان برشمرده‌اند؛ چرا که شفافیت، حقیقت را برای مردم آشکار می‌کند و زمینه هر گونه تفسیر ناروا از عملکرد و کلام مسئولان را از بین می‌برد.

مشکل و معضل اساسی جامعه ما در عصر حاضر، فقدان شفافیت عملکرد برخی مسئولان است که زمینه جولان دشمن در فضاهای رسانه‌ای را از سویی و بدبین شدن و سلب اعتماد مردم از آن سوی دیگر و بستر بروز انواع رانت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌سازد؛ شفافیت حکومت اسلامی از مقوله‌های اساسی در اسلام است؛ زیرا که سنت و سیره‌ی معصومین علیهم السلام به ویژه سیره حکومتی امیرمؤمنان علیه السلام بر آن صحه گذاشته و مبانی و آثار متعدد آن



در جای جای دین اسلام مورد تاکید قرار گرفته است و نیز سیره حکومتی امام خمینی قدس سره و امام خامنه‌ای علیه السلام در عصر حاضر نیز بر همین اساس بوده است. مردم سالاری دینی بر اصل شفافیت استوار است و مصالح حقیقی و کمال معنوی انسان‌ها را در گرو رعایت اصل شفافیت و بر پایه ارزشهای انسانی و الهی می‌داند. مردم سالاری دینی به دلیل اینکه بر جهان بینی الهی-توحیدی ناب- نه انسان محوری اومانیستی- استوار است، حقوق و آزادی‌های شهروندان را در چارچوب تعالیم دینی و آسمانی محترم می‌شمارد و رأی و خواست مردم را با ملاحظه مصالح حقیقی آنان مدّ نظر قرار می‌دهد؛ در اینجا به دلیل اصل شفافیت، مسئولان نظام مردم سالار دینی باید، به جز اطلاعات محرمانه و امنیتی در همه امور مردم را امین شمرده و با آنان شفاف باشند، تا عدالت اجتماعی و رفع فساد در عرصه‌های گوناگون نظام اسلامی محقق شود. به باور مقام معظم رهبری «مسئول نظام جمهوری اسلامی عملکرد خود را به‌طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۲۹) دشمن هیچ‌گاه در پی بازگو کردن حقایق نبوده و اساساً این دشمن است که با شفاف‌سازی مشکل دارد. «دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند؛ فضای شفاف را بر نمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را می‌خواهند. در فضای غبارآلود است که می‌توانند به مقاصد خودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند.» (همان) دستور شفافیت عام و فراگیر است که حضرت امیر علیه السلام در نامه به امیران سپاه خود می‌گویند که «حق شما بر من این است که امری را از شما پنهان ندارم مگر مواردی که مربوط به اسرار جنگ است.»^۱

مفاهیم و چهارچوب نظری پژوهش

الف) مفاهیم

۱. مبنا

کلمه مبنا از ریشه بنا اشتقاق یافته و به معنای پایه، بی‌نهاد، بنیاد و زیر ساخت است (ابن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ ق ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۳) بنی، بینی، به معنای بنانهادن چیزی بر چیزی با ضمیمه نمودن مقداری از آن به مقدار دیگر است (همان، ص ۱۲۰) معنای اصلی این واژه، زمینه‌سازی اجزا و مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه، با کیفیت و هیئت خاص است، خواه آن

۱. «أَلَا وَ لَ انْ لَکُمْ عِنْدِی اَنْ لَا اَحْتَجِبَنَّ دُونْکُمْ سِرّاً اِلَّا فِی حَرْبٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۰)



ساختار مادی و یا معنوی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ش، ج ۱، ص ۳۲۶) بنابراین، مبانی به معنای زیرساخت و پایه و اساس، می باشد. (انصاری و دیگران، ش ۱۳۷۸، ص ۴) تعریف مختار ما از مبنا، چنین است که حقایق ثابت هر علم که دیگر مباحث آن علم، بر آن مترتب و مبتنی است، مبنا نام دارد.

۲. اصل

اصل در لغت به معنای بیخ و ریشه است و در اصطلاح چیزی را گویند که چیز دیگری بر آن بنا شود (سیوری، ۱۴۱۴ق، ص ۶) به عبارت دیگر اصل بخشی از یک چیز است که سایر بخش‌های آن چیز بر آن بنا می‌شوند یا به آن پایدار می‌مانند و این بنا اعم از حسی و عقلی است. در بنای حسی دو چیز محسوس مانند سقف و دیوار یکی بر دیگری مبتنی است و بنای عقلی مانند ابتناء مجاز بر حقیقت و احکام جزئی بر قواعد کلی و معلولات بر علل و... مرحوم دکتر هوشیار در تعریف اصول معتقد است: «اصول تکیه‌گاه‌های نظری مستخرج که از عوامل موجود در زندگی هستند و هم آن را به عنوان ملاک عمل باید در نظر گرفت» (شریعتمداری، ۱۳۷۸ش، ص ۹) تعریف مختار ما از اصل چنین است که ریشه و اساس هر علم و قواعد اساسی آن که دارای مبانی گوناگون است، اصل نام دارد.

۳. فقه

فقه در لغت به معنای فهم عمیق (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۹۷) علم دین (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۷۰) دانستن و فهم چیزی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۵۵) ادراک خفی (جزایری، ۱۳۹۱ق، ص ۱۷۶) و دستیابی به مسائل مجهول با بهره‌گیری از مسائل معلوم (ر.ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۴۲) است و در اصطلاح، علم به احکام فرعی شرعی از روی منابع و ادله تفصیلی آن است (ر.ک: عاملی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۹۹؛ مطهری، ۱۳۸۵ش، ج ۲۰، ص ۲۶) تعریف مختار از فقه عبارت است از: فهم عمیق احکام شریعت با بهره‌گیری از مستندات متقن دینی.

۳. شفافیت

شفاف در لغت به معنای پرده نازکی است که پشت آن قابل رؤیت است و شفاف به معنای سود به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۲۱؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۱۹۴) و در اصطلاح

شفافیت، همان حق آگاهی مردم از امور جاری کشور است (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۵۳) مقصود از شفافیت در این پژوهش نیز حق آگاهی مردم از امور غیر محرمانه جاری کشور است.

پیشینه تحقیق

پیرامون موضوع تحقیق، کتاب یا مقاله‌ای انتشار نیافته است؛ تنها برخی مقالات به بررسی سایر ابعاد اصل شفافیت از منظر امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه پرداخته‌اند؛ از جمله «مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام» نوشته محسن طاهری و دیگران است (محسن طاهری، محسن، ارسطا، محمدجواد ارسطا، ملک افضل اردکانی، محسن، ۱۳۹۸) همچنین مقاله «جایگاه فقهی شفافیت اطلاعات حکومت اسلامی» نوشته محسن خردمند که به برخی مبانی فقهی شفافیت اشاره دارند؛ براساس مقاله «مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، اثر سیدحسن حسینی، یکی از اهرم‌های مبارزه با فساد در سیستم حکومتی، شفافیت است. شفافیت مقوله‌ای است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان، یک حرکت اساسی در بهبود سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود. امام علی علیه السلام برای شفافیت چنان جایگاهی قائل است که وجود آن را در حکومت امری ضروری قلمداد می‌کند. می‌توان گفت این نوع نگاه در بین رهبران تاریخ پرفرازونشیب جوامع انسانی بی‌نظیر است. هدف پژوهش حاضر، کشف مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت با استناد به فرمایشات آن امام همام در نهج البلاغه بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، ارائه اطلاعات و اخبار حکومتی به مردم، نظارت و کنترل در امور حکومتی، پاسخگوئی و مسئولیت‌پذیری، مشورت و عدم تکیه بر افکار فردی، حضور در اجتماع و ارتباط صمیمی با مردم، از جمله مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت‌اند که حاکم و کارگزاران حکومتی باید از آن‌ها بهره‌جویند؛ تا بسترهای فساد و رانت از جامعه رخت بریندد و آرامش بر جامعه حاکم شود و زمینه مشارکت حداکثری برای رشد و آبادانی جامعه فراهم شود و جامعه سیری به سوی کمال و سعادت پیدا کند.

بر اساس مقاله «زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه»، اثر رضا حاجیان، مصطفی دلشاد تهرانی، محمدرضا امینی حاج‌آبادی؛ فساد، تبعیض، نابرابری محصول نامیمون عدم شفافیت و عدم دسترسی آزاد مردم به اطلاعات است. حکومت بدون توجه به اصل



شفافیت و دسترسی آزاد مردم به اطلاعات نمی‌تواند به عدالت اقتصادی و نتایج آن دست یابد. شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، معیار و سازوکاری مناسب و زمینه ساز برای تحقق عدالت اقتصادی است. سلامت روابط و مناسبات اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، دستیابی به اهداف اقتصادی مبتنی بر عدالت، در گرو شفافیت روابط اقتصادی است. برای تحقق عدالت اقتصادی، رفاه و تامین اجتماعی زمینه‌ها و بستری وجود دارد، از جمله: حذف دیوانسالاری، وضع قوانین متقن و ضمانت اجرایی آن، قانون‌گرایی، پرهیز از انحصارطلبی، وجود فضای نقد در جامعه، صداقت بیان، پاسخگویی و گزارش دهی مسوولان، نفی احتجاب مسوولان، این مقاله در تلاش است با رویکرد نوین، این زمینه‌ها و بسترها را از دیدگاه امام علی علیه السلام از منابع روایی و تاریخی، به ویژه نهج البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ایجاد شفافیت و دسترسی مردم به اطلاعات از طرف حکومت، شرط اساسی اصلاح نظام اقتصادی و تحقق عدالت اقتصادی است. هر اندازه شفافیت بیشتر و بهتر شود، گستره عدالت بیشتر می‌شود (حاجیان، رضا، دلشاد تهرانی، مصطفی و امینی حاج‌آبادی، محمدرضا، ۱۳۹۶) بر این اساس، پژوهش حاضر، کم نظیر است و ضرورت آن از آن رو است که تدوین مبانی فقهی اصل شفافیت، به تعمیق این اصل از لحاظ نظری و بسط مرزهای دانش کمک می‌کند.

ب) چهارچوب نظری

چهارچوب پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه فقه نظام، یا همان نظریه فقه کلان است؛ چرا که تا نظام و حاکمیتی نباشد؛ بحثی از شفافیت به میان نخواهد آمد و در اصطلاح بحث شفافیت، بحثی درون نظامی (درون حاکمیتی) محسوب می‌شود. فقه نظام، فقه بررسی نظامات دینی است؛ زیرا فقه به دو بخش یعنی فقه خرد یا فقه فردی و فقه مسائل کلان (فقه نظام) تقسیم می‌شود. فقه نظام، فقهی است که در زمینه ساحت‌های کلان به فقاهت می‌پردازد. در حقیقت، فقه نظام، فقه نظام‌ساز است که متکفل رفع نیازهای فقهی نظام اسلامی در بعد کلان است. بر اساس نظریه فقه نظام، این فقه متکفل استنباط نظامات اجتماعی است فقه نظام یعنی فقهی که متکفل کشف نظامات شرعی است. در حقیقت فقه نظام، احکام مکلف کلان را تعیین می‌کند؛ حکومت یعنی مجموعه حاکم و کسانی که به امر آن حاکم زندگی خود را نظم می‌دهند و نظم زندگی آن‌ها به وسیله آن حاکم انجام می‌گیرد.

روش تحقیق

چنانکه اشاره شد؛ روش تحقیق مبتنی بر استقرای تام استروش استقراء یکی از روشهای استدلال است که حرکت ذهن در آن صعودی است یعنی از خاص به عام یا از جزئی به کلی حرکت می‌کند؛ در استدلال استقرائی، محقق برای دستیابی به حکم کلی، به پژوهش و تحقیق در جزئیات می‌پردازد؛ گاهی این پژوهش تام و کامل است؛ یعنی همه جزئیات مورد بررسی قرار می‌گیرد و آنگاه نتیجه‌ای کلی به دست می‌آید، چنین استقرائی، استقراء تام نام دارد؛ در این پژوهش نیز با تحلیل و بررسی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، مبانی پنج‌گانه اصل شفافیت، احصا گردید.

مبانی فقهی شفافیت

بر اساس روش استقرای تام در نهج‌البلاغه، مبانی فقهی شفافیت عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، النصیحة لائمة المسلمین، عدالت، حفظ نظام و مصلحت نظام که تبیین هر یک به شرح زیر است:

۱. وجوب امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی

از جمله مبانی فقهی شفافیت، وجوب امر به معروف و نهی از منکر یا همان نظارت عمومی است؛ نظارت در لغت به معنای دقت کردن، فراست و نظر انداختن با تأمل آمده است (ر.ک. فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۳)

امر در لغت به معنای طلب و بعث و نهی به معنای زجر و منع و بازداشتن آمده است (ر.ک. فیومی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲) معروف به معنای امر نیک و شناخته شده و منکر به معنای امر زشت و ناشناخته و پلید است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۵۸۷) امر به معروف به معنای فرمان دادن به نیکی و نهی از منکر، باز داشتن از بدی و ناپسندی است؛ در اصطلاح، معروف، هر امر مطابق فطرت، عقل یا شرع است و منکر به کاری گفته می‌شود که فطرت، عقل و شرع آن را ناپسند بدانند (ر.ک. همان)

امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عامه، از مهمترین مبانی فقهی شفافیت است؛ امیرمؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ» [پسرم] امر به معروف کن تا خود نیز اهل معروف شوی و نهی از منکر کن. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)



بر این اساس، امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عامّه، نه تنها بر عهده امام است، بلکه تکلیف شرعی همه مسلمانان است. در اهمیّت فریضه امر به معروف و نهی از منکر این بیان از امام امیرمؤمنان علیه السلام کافی است: «و ما أعمال البر کُلُّها و الجهاد فی سبیل الله عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کتفتهم فی بحر لُجی؛ همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر بسان آب کمی است که از دهان هنگام دمیدن بیرون می‌آید در برابر دریای عمیق بیکران.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶)

در فقه سیاسی شیعه، بحث امر به معروف و نهی از منکر و نقد عملکرد حاکمان و نظارت و پیگیری امور از سوی مردم، به عنوان یک وظیفه شرعی و یک تکلیف الهی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. اصل شفافیت مبتنی بر نظارت مردمی و امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی هر گاه مسئولان اراده تحقق امر به معروف و نهی از منکر و امکان نظارت مردمی بر عملکرد خود را داشته باشند؛ با آنان شفاف برخورد می‌کنند و آنان را در جریان امور غیرمحرمانه نظام قرار می‌دهند. بنابراین اصل شفافیت ارتباط تنگاتنگی با امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ زیرا شرط اول اجرای امر به معروف و نهی از منکر علم و شناخت معروف و منکر انجام شده از سوی مسئولان که این در پرتو شفافیت میسر است؛ امام خمینی قدس سره معتقد است که امر به معروف و نهی از منکر دو اصل اسلامی برای اصلاح همه امور برای وادار کردن همه افراد به کارهای صحیح و جلوگیری از کارهای فاسد است.» (ر.ک. موسوی خمینی قدس سره، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۱۲)

امام خمینی قدس سره در بیان نقش نظارت ولی فقیه بر سایر امور در کشور معتقد است که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد، زیرا از کارهایی که دولت یا رئیس جمهور یا هر شخص دیگری بخواهد برخلاف مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد با نظارت و کنترل فقیه جلوگیری می‌شود (ر.ک. همان، ص ۵۸) از این رو، نظارت جایگاه ویژه‌ای در عرصه حکمرانی دارد و منوط به علم و آگاهی یعنی شفافیت است. در نگرش امامین انقلاب نظارت دوسویه مطرح است؛ بدین معنا که هم حاکمان ناظر به عملکرد مردم بوده و بر پیمودن راه صحیح و سبک زندگی اجتماعی درست توسط آنان نظارت دارند و هم مردم نسبت به

عملکرد حاکمان نظارت می‌کنند و از خطاهای احتمالی آنان جلوگیری می‌کنند؛ چرا که بر اساس حدیث مشهور نبوی، همه افراد نظام اسلامی نسبت به یکدیگر، مسئولیت دارند.

امر به معروف و نهی از منکر، از فرایض بزرگ الهی و ضامن اجرای احکام شریعت است؛ منظور از امر به معروف و نهی از منکر ایجاد زمینه تحقق معروف و اعمال صالح و جلوگیری از بروز منکر و اعمال ناشایست است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۳۰)

مراحل چهارگانه نظارت عمومی به طور واجب کفائی انجام می‌گیرد و در مواردی که اقامه فریضه و قلع منکر و فساد در جامعه، متوقف به ارتکاب خلاف باشد و تنها راه اقامه خیر و فریضه و قلع منکر و فساد انجام منکر و ترك واجب باشد، بر اساس اصلی که در تراجم دو واجب اعمال می‌گردد طبق قاعده الایم فالایم برخی از واجبات کم اهمیت، فدای فرایض و مسائل مهمتر می‌شود و بعضی از منکرات برای اقامه فریضه مهمتر و قلع فساد بیشتر، مجاز می‌گردد(همان، ص ۲۳۱)

نقش نظارت عمومی و مسئولیت متقابل همه مردم در برابر یکدیگر و در برابر دولت و نیز دولت در برابر مردم که از ممیزات و خصائص ویژه نظام جمهوری اسلامی است وقتی بیشتر روشن می‌شود که ما به ضعف کنترل قدرت از طریق انتخابات و مراجعه به آراء عمومی پی ببریم. زیرا مسئولان منتخب مردم و گردانندگان امور و مقامات بالای کشور از طرف مردم برگزیده شده‌اند و امکان هر نوع انحراف و لغزش در آنان وجود دارد و مراجعه به آراء عمومی به تنهایی قادر نیست که از فساد و قدرت و انحراف و لغزش دولتمردان و نمایندگان ملت جلوگیری نماید. بر این اساس نیرومندترین اهرمی که می‌تواند در جامعه قدرت را کنترل کند و در همه حال با چشم باز ناظر همه اعمال در تمامی ابعاد و اعماق جامعه باشد، چشم باز و آگاه و مسئول همه مردم است(ر.ک. موسوی خمینی قدس سره، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۸)

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از:

۱. امرکننده یا نهی‌کننده بدانند که آنچه را که شخص مکلف ترك کرده یا انجام داده معروف یا منکر است، پس بر کسی که معروف و منکر را نمی‌شناسد واجب نیست؛ بنابراین عنصر آگاهی که

شفافیت تضمین کننده آن است؛ زمینه ساز نظارت عمومی و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است (موسوی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۳۰)

۲. احتمال تأثیر امر یا نهی را بدهد، پس اگر بداند یا اطمینان پیدا کند که تأثیر ندارد واجب نمی‌باشد (همان، ص ۵۳۲)

۳. شخص معصیت کار اصرار بر استمرار گناه داشته باشد، پس اگر از حال او معلوم باشد که گناه را ترک می‌کند، و خوب (انکار) ساقط می‌شود (همان، ص ۵۳۵)

از منظر امام خمینی رحمته الله علیه، امر به معروف و نهی از منکر دو اصل اسلام است که افراد جامعه را، مأمور و ادار ساختن یکدیگر به کارهای صحیح و جلوگیری از فساد می‌نماید و هدف از آن اصلاح جامعه است (موسوی خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸ ش، ج ۹، ص ۱۹۵ و ۲۸۵)

مقام معظم رهبری نیز معتقد است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر باید با جدیت پیگیری شده، شرایط و احکام شرعی آن را با دقت آموخته شود و ضرورت دارد که این حرکت، گسترش یافته و از روشهای اخلاقی و کارساز برای تشویق بر انجام معروف و جلوگیری از وقوع منکرات استفاده شود (حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه، ۱۴۰۰ ش، ج ۱، ص ۳۷۷)

در نتیجه آنگاه که همه مردم به معنای واقعی، در متن مسائل کشور حضور یافته و به کارهای جامعه اهتمام داشته باشند، سطح آگاهی آنان بالا باشد و تمام آنها معروف شناس و منکر شناس باشند، این به معنای حضور و نظارت عمومی است؛ و این همکاری عمومی می‌تواند جلوی گسترش گناه و فساد و رانت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را بگیرد و سبب محدود شدن فساد به موارد اندک و نادر می‌گردد.

لزوم صراحت در مرزبندی با دشمنان و تکیه صریح و شفاف بر مبانی انقلاب اسلامی از دیگر موارد شفافیت است که تأمین کننده استقلال نظام اسلامی است؛ رهبر معظم انقلاب در این باره معتقد است که آن چیزی که می‌تواند استقلال را تأمین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه‌ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزشهای انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد؛ زیرا راز استحکام انقلاب و پیشرفت کشور در شفافیت مواضع نظام اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با حضرت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

استدلال به مبنای وجوب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اصل شفافیت در قالب قیاس منطقی به شکل زیر است:

مقدمه اول: شفافیت مبتنی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است.

مقدمه دوم: هر آنچه مبتنی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ شرعاً واجب است.

نتیجه: شفافیت شرعاً واجب است.

۲. النصيحة لائمة المسلمين

«نصح» به معنای پند دادن، اخلاص، خالص شدن و خالص نمودن است «النُّصْحُ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ مِنَ الْعُشِّ»؛ «نَصَحَ الشَّيْءُ نَصْحًا» یعنی فلان شیء را صاف و خالص کرد و در اصطلاح به معنای سخنی دلسوزانه و خالی از هرگونه فریب و دغل بازی است؛ در مقابل کلمه «نصح» که به معنای سخنی از روی دلسوزی و با کمال صداقت است، کلمه «غش» وجود دارد که به معنای سخن فریب آمیز و از روی شیطنت و دغل بازی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۵)

پیامبر اکرم ﷺ به اصحابش فرمود: «الَّذِينَ النَّصِيحَةَ قُلْنَا لِمَنْ قَالَ لِيهِ وَكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَائِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَتِهِمْ؛ دین، نصیحت و خیرخواهی است. اصحاب می گویند: پرسیدیم: خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا و کتابش و برای رسول خدا ﷺ و پیشوایان مسلمین و تمام مسلمانان.» (فتاوی نیشابوری، ۱۳۷۵ق، ص ۴۲۴)

بر این اساس، همه مسلمانان و مؤمنان باید نسبت به مرکز امامت و ولایت خیرخواه بوده و ولی امر نظام اسلامی را در اجرای احکام الهی یاری کنند.

«النصيحة لائمة المسلمين»، از جمله مبانی فقهی شفافیت است؛ این امر، ریشه در سخنرانی پیامبر اکرم (ص) در مسجد خیف در حجة الوداع، دارد؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۳) همچنین در سخنان ائمه علیهم السلام، بر این مهم تأکید شده است (همان، ص ۴۰۵) یکی از شاخص‌های مردم‌سالاری دینی بحث، امکان نصیحت نسبت به حاکم اسلامی است. این مسأله در قالب اصل النصيحة لائمة المسلمين پذیرفته شده است. موضوع «نصیحت ائمه مسلمین» است که در واقع نوعی امر به معروف و نهی از منکر در قالب نصیحت حاکمان است. این موضوع در سیره‌ی امیرمؤمنان علیه السلام نمود بسیار دارد؛ در سفارش ایشان به مالک اشتر می‌خوانیم: «لطف و محبتی را که



عهد کردی به مردم کنی، کوچک‌نشانم، هر چند اندک باشد، چرا که لطف و محبت موجب می‌شود آنان از نصیحت و خیرخواهی برای تو دریغ نوزند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) لازمه نصیحت، شفافیت امور و اطلاع‌رسانی حکومت نسبت به مردم است. زیرا مبنا و پایه و اساس، نصیحت، شفافیت است. نصیحت نباید به لجن پراکنی تبدیل شود و به تضعیف نظام اسلامی بیانجامد؛ چنان که امام خمینی علیه السلام معتقد است: «کسی که گله دارد یا می‌بیند نقیصه‌ای در کار هست، می‌تواند نصیحت بکند و باید بکند، اما لسان نصیحت غیر از لسان لجن‌کردن و ضایع‌کردن است؛ اگر انسان یک مسلمان را برای خاطر هوای نفسش لگدمال کند، در آخرت شاید بدترین مجازات را داشته باشد و در این دنیا هم موفق نخواهد شد.» (موسوی خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۲۷)

نصیحت نسبت به پیشوایان مسلمانان به معنای خیرخواهی نسبت به حاکم است؛ برخلاف نظارت عام که به معنای بررسی عملکرد حاکمان توسط عموم مردم است؛ و مبنا بودن آن نسبت به اصل شفافیت از آن رو است که تا عملکرد مسئولان و حاکمان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... شفاف و روشن نباشد؛ مجال اقامه تکلیف اجتماعی «النصیحة لائمة المسلمین» تحقق نمی‌یابد. طبیعت امر به معروف و نهی از منکر با معنای تعلیم و نصیحت، متفاوت است به گونه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر، ملازم عمل و تحقق معروف و ریشه‌کن نمودن منکر است و به همین دلیل این مرحله پس از انجام مراحل سه‌گانه تعلیم و ارشاد و نصح انجام می‌گیرد.

در عین حال شناخت مرز میان نصیحت مشفقانه و مخالفت با نظام اسلامی و تضعیف آن، لازم است تا اجرای این فریضه سبب بزرگنمایی نقاط ضعف و سوءاستفاده دشمن و با ایجاد ناامیدی در مردم نشود.

استدلال به مبنای النصیحة لائمة المسلمین نسبت به اصل شفافیت در قالب قیاس منطقی به شکل زیر است:

مقدمه اول: شفافیت مبتنی بر النصیحة لائمة المسلمین است.

مقدمه دوم: هر آنچه مبتنی بر النصیحة لائمة المسلمین باشد؛ شرعاً واجب است.

نتیجه: شفافیت شرعاً واجب است.

از جمله مبانی فقهی شفافیت، عدالت است؛ از منظر امام خمینی علیه السلام عدالت، به معنای ملکه انجام واجبات و ترک محرمات (موسوی خمینی علیه السلام، ۱۳۹۳ ش، ص ۹؛ موسوی خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۵۹۷) و نیز حدّ وسط بین افراط و تفریط و علوّ و تقصیر و نیز تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه و روحیه و نفسیه است (موسوی خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۵۰-۱۵۱) همچنین مقام معظم رهبری، عدالت را قرار دادن هر چیز در جای خود و نیز عطا به میزان استحقاق دانسته‌اند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران و اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷؛ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۵/۱۷)

عدالت اقتضا می‌کند که حق شفافیت و آگاهی از امور مختلف نظام اسلامی به جز در موارد استثنا، به عموم مردم اعطا شود. برای نمونه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه ۵۰ نهج البلاغه که خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی است اشاره کرد:

«أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَ لَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ، وَ لَا أُوخِّرُكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ، وَ لَا أَقِفُ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ، وَ أَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ، سَوَاءً (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

«بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را، و کاری را بی مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا. حقی را که از آن شماست از موعد خود به تأخیر نیفکنم، و تا به انجامش نرسانم از پای ننشینم، و حق شما را به تساوی دهم»

مقام معظم رهبری نیز در شرح این خطبه معتقد است که شفافیت آموزه امیرمؤمنان علیه السلام است و بر اساس آن حق مردم بر حاکم و امام آن است که هیچ رازی - جز مسائل نظامی و امنیتی - را از مردم پنهان ندارد. (بیانات مقام معظم رهبری در درس خارج فقه، ۱۳۹۷/۷/۲۳)

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، عدالت اجتماعی، هدف جمهوری اسلامی است (موسوی خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش، ج ۹، ص ۲۰) در اسلام تنها قانون الهی حاکم است و هر گونه رانت اقتصادی، سیاسی و ... برخلاف دستورات صریح دین است. از منظر امام خمینی علیه السلام اگر عدالت در کار نباشد هرج و مرج لازم می‌آید (ر.ک. همان، ج ۱۱، ص ۶۷)





عدالت که از منظر فقهی ملکه راسخه‌ی باعث ملازمت تقوا و ترک مناهای و محرمات است با شفافیت ارتباطی وثیق دارد؛ چرا که ظلم که متضاد عدالت است در عدم شفافیت نهفته است و اساساً ستمگران از عدم شفافیت در همه امور و از جمله قراردادهای اقتصادی و تجاری و در نحوه استفاده از بیت المال، برای تأمین منافع نامشروع خود بهره می‌برند. بنابراین از مهمترین مبانی اصل شفافیت، عدالت است.

جلوگیری از مفاسد اقتصادی، مبتنی بر جریان آزاد اطلاعات غیرمحرمانه کشور است. اگر اطلاعات اقتصادی کشور شفاف باشد، فرصت سوءاستفاده‌ها بسته خواهد شد. «اگر چنانچه وضع اجتماع، وضع اقتصادی کشور مثل یک خانه‌ی بی درودروازه‌ای بود که هر که خواست آمد، هرچور خواست عمل کرد، هرچه خواست برد، خورد، خب معلوم است، انسان نجیب شایسته‌ی متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید. شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰) از دیدگاه مقام معظم رهبری، باید فعالان بخش خصوصی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری مطلع باشند تا استفاده‌های ویژه‌خوارانه نشود. زیرا محصور بودن اطلاعات، محدود بودن اطلاعات به بعضی از افراد، موجب ویژه‌خواری‌های عجیبی می‌شود که گاهی ثروت‌های بادآورده‌ی یک‌شبه را برای افرادی که سوءاستفاده‌چی هستند، فراهم می‌کند؛ اطلاعات باید عمومی شود. باید شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۲۶)

مرحله‌ی دیگر فسادستیزی، شفافیت در برخورد با مفسدان است. چنان که از منظر مقام معظم رهبری، برخورد با فساد باید، واقعی و رضایت بخش باشد و به اطلاع مردم رسانده شود (ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۲۴) بنابراین شفافیت مسئولان در نظام اسلامی از مسائل ضروری است که اسلام دستور داده است و محدوده‌ی آن نیز به غیر موارد نظامی و امنیتی، شامل همه‌ی مسائل مرتبط با مردم می‌شود. این مسئله که بیانگر جایگاه مردم در نظام اسلامی و نوع رابطه‌ی مسئولان با مردم است، مطالبه‌ی رهبر انقلاب اسلامی از مسئولان قوا و دیگر کارگزاران نظام است تا از این رهگذر بتوان به یکی از ابعاد الگوی شایسته‌ی دولت اسلامی دست یافت.

عدالت، اقتضای شفافیت دارد؛ زیرا پنهان‌کاری، زمینه ظلم و ستم کارگزاران بی‌تقوا را فراهم می‌سازد؛ از این رو، هرگز نباید، به بهانه حفظ آبروی مسئول از شفافیت احتراز گردد؛ زیرا استمرار



حاکمیت مسئول خاطی در سایه عدم شفافیت، رکون و تکیه به ظالم است که سرانجامی جز آتش الهی را در پی ندارد (موسوی خمینی رحمته، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۶۰۰)

استدلال به مبنای عدالت نسبت به اصل شفافیت در قالب قیاس منطقی به شکل زیر است:

مقدمه اول: شفافیت مبتنی بر عدالت است.

مقدمه دوم: هر آنچه مبتنی بر عدالت باشد؛ عقلاً واجب است و بر اساس ملازمه میان حکم

عقل و حکم شرع، دارای وجوب شرعی نیز هست.

نتیجه: شفافیت شرعاً واجب است.

۴. حفظ نظام

نظام در مفهوم کلی به معنای سامان یافتن زندگی و معیشت مردم در زمینه های گوناگون است که با اصطلاحاتی چون نظام المسلمین، نظام الاسلام، نظام الملّه، نظام الخلق و نظام الاجتماع از آن یاد می شود (ملک افضلی اردکانی، ش ۱۳۹۷، ص ۱۵) و از ریشه نظم در لغت به معنای نظم دادن، تألیف، تجمیع، رویه، عادت و روش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۵۷۹) و در اصطلاح، مجموعه ای از عناصر است که به طور منظم و با رابطه کنش و واکنش متقابل، برای تحقق هدف مشترک به صورت معناداری به هم پیوسته اند به گونه ای که اگر به یکی از عناصر خلل وارد شود؛ مجموعه دچار هرج و مرج و اختلال می گردد؛ با بررسی متون فقهی در می یابیم که حفظ نظام که گاهی از آن با عنوان اصل یا قاعده فقهی یاد می شود در بسیاری موارد، هدف و علت غایی فتاوا بوده و از اوجب واجبات قلمداد گشته است و در مقابل، اختلال نظام نیز از بزرگ ترین محرمات به شمار می آید (ر. ک. ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۶)

صیانت و حفاظت از نظام اسلامی و جامعه مسلمین، از منظر عقل و شرع لازم و واجب است؛ و از فرایض مهم الهی بر همگان، مخصوصاً حاکم اسلامی، حفظ نظام اسلامی است. مناط و ملاک وجوب حفظ نظام، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است؛ از دیدگاه امام خمینی رحمته، حفظ نظام، از واجبات شرعی و عقلیه است که نظام باید محفوظ باشد. آنهایی که می گویند نظام به این معنا نمی خواهیم و همه مان یکجور و همه مان بدون اینکه يك ضابطه ای در کار باشد عمل نکنیم، خلاف قرآن دارند عمل می کنند. خلاف اسلام دارند عمل می کنند. خلاف مصالح مملکتشان دارند



عمل می‌کنند (موسوی خمینی قدس سره، ۱۳۸۸، ج ۲، ص: ۶۱۹؛ موسوی خمینی قدس سره، ۱۳۷۸، ش، ج ۱۷، ص ۲۶۷)

از منظر امام خمینی قدس سره مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلا منجز [تکلیف آور] است (همان، ج ۸، ص ۱۵۳)^۱

از سوی دیگر، حفظ و صیانت از نظام اسلامی در گرو شفافیت مسئولان در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مردم است؛ تا عملکرد مسئولان از هر گونه شائبه فساد و پنهان‌کاری مصون بماند؛ البته استثنای این امر امور مربوط به مسائل امنیتی و نظامی و محرمانه کشور است. بیان شفاف مواضع سیاسی مهم‌ترین اصل است که انقلاب اسلامی بدان عامل است و مسئولان باید مواضع انقلاب را شفاف بگویند. امام خمینی قدس سره در حرکت خود با هیچ کس رودربایستی نداشت و صریح و شفاف موضع خود را اعلام می‌کرد. امام گفت سلطنت موروثی باید برود؛ حرف خود را صریح می‌گفت. «اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزش‌های انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان که امام بزرگوار این جور بود؛ امام از اوّل شروع نهضت، همه‌ی حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹) از دیدگاه ایشان، نه تنها در بیان مواضع باید شفاف بود بلکه در مواردی که باعث پدیداری شک و شبهه می‌شود باید در مرزبندی با دشمنان دین و انقلاب نیز شفاف بود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم بوشهر، ۱۳۸۹/۴/۵)، از دیدگاه مقام معظم رهبری کسی که مرزبندی شفاف نمی‌کند، قدر خودش را کاهش می‌دهد (ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۴/۲)

مهمترین رکن نظام اسلامی پس از رهبری و ولی فقیه، مردم هستند که از آن دو به امام و امت تعبیر می‌شود؛ اصل شفافیت مبتنی بر حفظ نظام است بدین دلیل که اعتماد مردم یا امت به نظام اسلامی در گرو شفاف سازی روند امور در مسائل کلان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و اگر

۱. منظور امام (ره) آن است که احتمال به وجود آمدن اشکال در حفظ نظام اسلامی، تکلیف آور است و در این صورت، عقل حکم می‌کند که حراست از نظام اسلامی واجب است.



نظام اسلامی مردم را از شنیدن حقایق محروم بدارد؛ شایعات گسترش یافته و رسانه‌های بیگانه با سوء استفاده از وضعیت غیر شفاف، تبلیغات سوء خود علیه نظام اسلامی را گسترش می‌دهند؛ از این رو، شفافیت در عرصه‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، سبب جلب اعتماد مردم گشته و فرصت سنگ اندازی را از دشمنان سلب می‌کند؛ بنابراین، حفظ نظام اسلامی مهمترین مبنای اصل شفافیت به شمار می‌آید.

استدلال به مبنای حفظ نظام اسلامی نسبت به اصل شفافیت در قالب قیاس منطقی به شکل زیر است:

مقدمه اول: شفافیت مبتنی بر حفظ نظام است.

مقدمه دوم: هر آنچه مبتنی بر حفظ نظام باشد؛ عقلاً واجب است و بر اساس ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، شرعاً نیز واجب است.
نتیجه: شفافیت شرعاً واجب است.

۵. مصلحت نظام

مصلحت از ماده «صلح» است و ضد آن مفسده است؛ مصلحت در لغت به معنای خیر و کار نیک و عملی که نفعی عاید انسان می‌کند، آمده است (مقری، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۳۴۵؛ الخوری الشرتونی، ۱۳۶۱ق، ج ۱، ص ۶۵۶) به اموری که نیازهای واقعی بشر را برای رسیدن به سعادت مادی و معنوی تأمین نمایند «مصلحت» گویند و در مقابل آن، «مفسده» هر امری است که او را از این راه بازدارد، یا مانع شود و یا منحرف سازد (ر. ک. حسین علی احمدی، ۱۳۹۶ ش)

مصالح پنج گانه در شریعت که برخی از آنها مقاصد شریعت نیز به شمار می‌آیند عبارتند از: مصلحت دین، جان، عقل، نسل و مال؛ همه احکام اسلامی به منظور تأمین مصالح خمسسه فوق تشریح شده است (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۷ ش، ص ۷۷) این مصالح در ارتباطی وثیق با یکدیگر بوده به گونه‌ای که حفظ هر یک مستلزم حفظ مصالح دیگر است و اگر به یکی از آنان خلل وارد شود، سایر مصالح نیز دچار تزلزل می‌شود (همان)

از منظر امام خمینی علیه السلام، حاکم اسلامی باید در موضوعات گوناگون نظام بر اساس مصلحت مسلمانان یا مصلحت اهل قلمرو حکومت خود عمل کند و این هرگز به معنای استبداد به رأی نیست؛

بلکه عمل و نظر وی بر اساس مصالح نظام دینی است (موسوی خمینی رهبر، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۶۱۹)

مصلحت نظام اقتضا دارد که همه امور مملکت جز اسرار آن، برای افراد جامعه به صراحت و شفافیت بیان شود؛ چرا که این امر، از دامن زدن دشمن به شایعات و تضعیف اعتماد مردم به نظام اسلامی جلوگیری می‌کند. زیرا بیان شفاف امور و محاکمه مفسدان عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، عرصه را بر معاندان نظام اسلامی تنگ می‌سازد؛ در این میدان پر فراز و نشیب، حاکم و ولی فقیه جامع الشرایط، مرجع تشخیص مصالح نظام اسلامی است. بنابراین، مصلحت نظام اسلامی از دیگر مبانی مهم اصل شفافیت است.

از سوی دیگر، مصلحت نظام اسلامی بر لزوم شفافیت مسئولان حکم می‌کند؛ چرا که عدم شفافیت آنان، آثار سوئی چون نفی عدالت اجتماعی و شائبه رانت‌خواری در عرصه‌های اقتصادی و فساد سیاسی در عرصه حکومتی را در پی دارد. با توجه به اینکه در مسائل اقتصادی، کشور درگیر یک جنگ اقتصادی است و بدین ترتیب مسئله‌ی اقتصاد، اولویت درجه‌ی یک کشور محسوب می‌شود، «شفافیت» نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. یکی از مراحل این است که فضای اقتصاد کشور برای حضور مردم شفاف باشد. در واقع مسیر اقتصادی کشور اگر بخواهد متکی به دولت باشد، رسیدن به نتایج بسیار زمان‌بر خواهد بود. سیاست‌های اصل ۴۴ برای استفاده از همین کمک مردمی تدوین شد که لازمه‌ی آن، تهیه‌ی سازوکار مشخص و شفاف برای استفاده از ابتکار، فکر و نیروی مردم خواهد بود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰) مسئله‌ی شفافیت اقتصاد کشور در سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۲۰)، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹) و سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۴/۹) نیز آمده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، شفافیت و انسجام سیاست‌ها و مقررات اقتصادی، راهکار حمایت از تولید و سرمایه‌گذار است (ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۹) به باور ایشان، شفافیت مقررات به گونه‌ای که قابل توجه، تبدیل، تعبیر و تأویل نباشد، سبب بسته شدن راه تقلب و سوءاستفاده از ظواهر قوانین است (ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

علاوه بر آن از مقام معظم رهبری بر این باور است که شفافیت دولتمردان، جلوی بسیاری از بدگمانی‌ها و اختلاف‌ها را خواهد گرفت و اعتماد مردم به حکومت را افزایش خواهد داد چنان که مقام معظم رهبری معتقد به اطلاع‌رسانی به مردم پیرامون پیشرفتهای نظام و بیان شفاف موانع پیش رو با مردم هستند.» (ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۶/۴)

استدلال به مبنای مصلحت نظام نسبت به اصل شفافیت در قالب قیاس منطقی به شکل زیر است:

مقدمه اول: شفافیت مبتنی بر مصلحت نظام است.

مقدمه دوم: هر آنچه مبتنی بر مصلحت نظام باشد؛ عقلاً واجب است و بر اساس ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، شرعاً نیز واجب است.
نتیجه: شفافیت شرعاً واجب است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

استمرار نظام اسلامی به ویژه جنبه مقبولیت مردمی آن در گرو شفافیت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و برای غلبه بر مفاسد گوناگون و اجرای هر چه بهتر عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و رانت‌خواری، راهی جز شفافیت وجود ندارد که شفافیت در نهج البلاغه از منظر امیرمؤمنان علیه السلام مبتنی بر مبانی فقهی پنج‌گانه نظارت عامه یا وجوب امر به معروف و نهی از منکر، النصیحة لائمة المسلمین، عدالت، حفظ نظام و مصلحت است؛ بدین معنا که این پنج رکن و اساس، اقتضا دارد، مسئولان در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی - به جز در موارد امنیتی و استثنا شده - با مردم شفاف باشند و امکان نقد عملکرد خویش توسط مردم را فراهم سازند؛ این امر، سبب بقای نظام اسلامی و رشد و شکوفایی همه جانبه آن می‌گردد و ناامیدی دشمنان از رخنه و نفوذ در ارکان تصمیم‌ساز نظام اسلامی پدید می‌آورد و سبب افزایش سرمایه اجتماعی نظام اسلامی و اعتماد بیشتر مردم به آن می‌گردد و استحکام ساخت درونی قدرت نظام را به دنبال می‌آورد. بر این اساس پیشنهادهای ذیل برای شفافیت امور در عرصه حکومتی و حکمرانی ارائه می‌شود:



۱. لزوم شفافیت مسئولان در عرصه تقنین و تصویب قوانین مبتنی بر دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه.
۲. لزوم شفافیت مسئولان در تصمیمات کلان اجتماعی، مبتنی بر دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه.
۳. لزوم شفافیت مسئولان در عرصه اجرای قوانین و مقررات، مبتنی بر دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه.
۴. لزوم شفافیت مسئولان در عرصه حکمرانی و واگذاری مسئولیتها مبتنی بر دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه.
۵. لزوم شفافیت مسئولان در مسئله خصوصی سازی مبتنی بر دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، ترجمه: سید جمال الدین دین پرور، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱. ابن فارس بن زکریا، ابی الحسین احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق وضبط: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲. ابن محمد الفیومی مقری، احمد، ۱۳۸۳ ش، مصباح المنیر، قم: دارالهجره.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر- دارصادر.
 ۴. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ ق، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۵. انصاری، محمد علی و دیگران، ۱۳۷۸ ش، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مشهد: انتشارات محقق.
 ۶. حسینی خامنه‌ای علیه السلام، سید علی، ۱۴۰۰ ش، اجوبه الاستفتائات، تهران: انقلاب اسلامی.
 ۷. الخوری الشرتونی اللبانی، سعید، ۱۳۶۱ ق، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
 ۸. سیوری، جمال الدین فاضل مقداد، ۱۴۱۴ ق، شرح باب حادی عشر، قم: علامه.
 ۹. شریعتمداری، علی، ۱۳۹۸ ش، اصول تعلیم و تربیت، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ق، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه.
 ۱۱. عاملی، حسن بن زین الدین، ۱۳۹۳ ق، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: انتشارات اسلامی.
 ۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۲ ش، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر.
 ۱۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵ ش، روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.
 ۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
 ۱۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ ق، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العربیه.
 ۱۶. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی، قم: مؤسسه دارالهجره.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الاصول من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵ش، *مجموعه آثار (کلیات علوم اسلامی؛ فقه - اصول فقه)*، قم: صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵ش، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۲۱. موسوی خمینی قدس سره، سید روح الله، ۱۳۷۸ش، *صحیفه امام*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس سره.

۲۲. -----، ۱۳۸۲ش، *شرح حدیث «جنود عقل و جهل»*. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۳. -----، ۱۳۸۵ش، *تحریر الوسیله*، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۴. -----، ۱۳۸۸ش، *کتاب البیع*، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۵. -----، ۱۳۹۱ش، *ولایت فقیه*، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۶. -----، ۱۳۹۳ش، *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمینی قدس سره*، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

مقالات

۲۷. حاجیان، رضا؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ امینی حاج آبادی، محمدرضا، ۱۳۹۶ش، زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه، *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۱۶(۵۵) ۸۱ - ۱۰۱.
۲۸. طاهری، محسن و دیگران، ۱۳۹۸ش، *فصلنامه سیاست متعالیه*، «مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام»، س ۷، ش ۲۴، بهار ۱۳۹۸، ص ۸۱-۱۰۰.
۲۹. طاهری، محسن؛ ارسطا، محمدجواد؛ ملک افضل اردکانی، محسن؛ ۱۳۹۸، مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام *فصلنامه سیاست متعالیه*، ۷(۲۴) ۸۱-۱۰۰.

سایت‌ها

۳۰. حسینی خامنه‌ای علیه السلام، سیدعلی، بیانات در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40814>، ۱۳۹۷/۷/۳۰.



۳۱. ----- .بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه. دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۹۰/۷/۲۰
۳۲. ----- ، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۹۲/۱۲/۲۰
۳۳. ----- ، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۸۹/۴/۲
۳۴. ----- ، سیدعلی. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت. دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-۴۰۸۱۴> .۱۳۸۱/۶/۴
۳۵. ----- ، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-۴۰۸۱۴> .۱۳۹۷/۴/۲۴
۳۶. ----- .بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۹۰/۵/۲۶
۳۷. ----- ، بیانات در دیدار مردم بوشهر، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۸۹/۴/۵
۳۸. ----- ، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل
 ۴۴ قانون اساسی، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-۴۰۸۱۴>
[content?id=۱۳۸۵/۱۱/۳۰](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۸۵/۱۱/۳۰)
۳۹. ----- ، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۸۵/۳/۲۹
۴۰. ----- ، بیانات مقام معظم رهبری، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۰۸۱۴> .۱۳۸۰/۵/۱۱
۴۱. ----- ، خطبه‌های نماز عید سعید فطر، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40814> .۱۳۸۸/۶/۲۹